

# شبهه

شبهه شناسی گفتمان سازی و پاسخ گویی

۳۳

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان  
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)  
شماره بیست و دو / فروردین ۱۴۰۲

در جمهوری اسلامی، فرق می کند □ این ماه دیدنی □ گل به خودی □ تادم مرگ □ به بهانه رفراندوم □ چالش ورزشگاه  
در شب قدر چه بخواهیم؟ □ دلیل تخریب بقیع □

## رق می کند

چنگ و دندان، از آن بهره برداری کنند و التذاذ ببرند. از پولش، از قدرتش، از نفوذش، از تسهیلاتش، از امکاناتش، حداکثر بهره را ببرند و بخورند و به نزدیکان و دوستان خودشان بخورانند.

این، عرف دنیاست؛ اما در جمهوری اسلامی چه؟ در این جا این مسائل باید به چشم یک مسئولیت و وظیفه محض تلقی شود؛ به عنوان یک کار تلقی شود؛ کاری که سخت است و هرچه بالاتر می رود، سخت تر هم می شود. باید به عنوان یک مسئولیت و یک تعهد به آن نگریسته شود؛ نه این که وقتی امکانات پیدا کردیم، آن را برای تهیه لوازم رفاه شخصی، تشریفات، اسراف ها و تجملات و غیره، بهترین فرصت ها تلقی کنیم. چه نمایندگی مجلس باشد، چه سمتی در دستگاه های عالی دولتی باشد، چه مسئولیت های بالای نظامی باشد، چه مسئولیت های بالای قضایی باشد، تفاوت نمی کند. نباید به این امکانات، به عنوان یک طعمه و یک غنیمت نگاه شود و بگوییم حالا که رسیدیم، پس دیگر بهره برداری کنیم! همه چیز باید از روی حق، از روی حساب و با روحیه بی اعتنائی به زخارف دنیا باشد. اگر چنین شد، راه و حرکت را آسان خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### پی نوشت:

۱. نهج البلاغه، نامه ۵.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷.

## در جمهوری اسلامی، ف

### پرده اول

اشعث بن قیس، فرماندار منصوب عمر و عثمان بر منطقه آذربایجان بود. بعد از روی کار آمدن امیرالمؤمنین علیه السلام، احساس ناامنی در موقعیت خود کرد که مبادا امام، او را از حکومت آذربایجان بردارد. امام برای پیشگیری از فتنه انگیزی او، نامه ای برایش نوشت و او را با دو جمله پرمعنا، هشدار داد و فرمود: «فرمانداری تو، برای تو، وسیله آب و نان نیست؛ بلکه امانتی است بر گردنت و تو از سوی مافوق خود، تحت مراقبت هستی!».

### پرده دوم

انتخابات ۱۴۰۲، مثل همه انتخابات هایی که در طول این سال ها برگزار شد، جلوه ای دیگر از نقش آفرینی مردم در جمهوری اسلامی و تحقق مردم سالاری دینی بود. شبهه پراکنی و غوغا سالاری یک ساله رسانه ها و جریان های ضد دین و نظام، وادادگی سیاسیون خسته، تورم افسارگسیخته و... هیچ کدام نتوانست رونق و شور انتخابات را کم کند.

مردم، انتخاب کردند؛ مردم از میان ده ها و صدها و هزاران نفری که مدعی مسئولیت پذیری بودند، کسانی را که اصرار داشتند می توانند گامی بردارند و گروه ای باز کنند، انتخاب کردند.

### پرده سوم

حکومت کردن و داشتن سمت و منصب در جمهوری اسلامی، نباید به شکل یک غنیمت

نگاه شود. در دنیا، مردم برای این که به مناصبی برسند، تلاش می کنند. هر منصبی هم که باشد، فرقی نمی کند؛ از عضویت یا ریاست در یک جمع و سازمان کوچک اداری گرفته تا رسیدن به

ریاست یک کشور. آنها چندین سال تلاش می کنند تا به حکومت برسند و در این چند سال، می خواهند نهایت التذاذ را ببرند... همانی که امیرالمؤمنین علیه السلام، به عامل خود فرمود «این طور نباش و دنیا را و حکم را برای خودت، طعمه ندان»، اینها طعمه می دانند. دنیا برای اینها، طعمه ای است که وقتی به آن رسیدند، باید با

# این ماه دیدنی

بررسی اختلاف مراجع در اعلام رؤیت هلال ماه

چند سالی است که موضوع دیدن هلال ماه رمضان و شوال و اختلافات مراجع تقلید در اثبات عید فطر، به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شده، برخی از افراد تلاش کرده‌اند تا آن را به مسائل سیاسی ربط داده، درباره آن، شبهاتی را در جامعه منتشر کنند.

## مقدمه

هر مسئله فقهی، از دو بخش موضوع و حکم، تشکیل می‌شود. مثلاً در گزاره «نماز واجب است»، نماز، موضوع و وجوب، حکم است. در استنباط و بیان حکم شرعی موضوعات، وظیفه فقیه، کشف حکم و بیان آن است؛ نه ایجاد یا کشف موضوع؛ هر چند تعریف برخی موضوعات فقهی نیز از وظایف فقیه است.

موضوعات شرعی، به دو دسته عرفی و شرعی تقسیم می‌شوند. برخی از موضوعات، ابتکار خود شارع است؛ مثل نماز و روزه. یعنی اگر بیان قرآن و سنت نبود، نماز و روزه، به صورتی که می‌دانیم و انجام می‌دهیم، وجود نداشت. موضوعات ابتکاری در آیات، روایات و افعال معصومان، تبیین شده و وظیفه فقیه، آن است که علاوه بر حکم شرعی، ماهیت و شرایط چنین موضوعاتی را هم استنباط و بیان کند؛ ولی برخی از موضوعات فقهی، همان اشیاء خارجی یا رفتارهای طبیعی یا قراردادی انسان‌هاست که توسط طبیعت یا انسان‌ها، ساخته شده و صورت می‌گیرد؛ مانند شراب، سگ، ازدواج و موسیقی. در این موارد، وظیفه فقیه، تنها بیان حکم شرعی آن موضوعات طبیعی یا عرفی است. فقها نیز در تعریف موضوعاتی مثل قمار، ربا و ازدواج، به عرف عام یا خاص، مراجعه می‌کنند؛ چنانکه مثلاً در بحث غنا، تعریف آن را از کتاب‌های لغت، نقل می‌کنند.<sup>۱</sup> به عنوان مثال، حضرت امام، فتوای خود درباره ابزار قمار بودن یا نبودن شطرنج را به عرف، ارجاع داد.

در مسئله عید فطر نیز هر چند عنوان «عید فطر» و «افطار»، عنوانی است که از دین

اسلام ناشی شده، ولی در واقعیت امر، عید فطر، چیزی جز پدید آمدن هلال ماه شوال نیست. در روایات، به مسلمانان امر شده که با رؤیت هلال رمضان، روزه بگیرند و با رؤیت هلال شوال، دست از روزه‌داری بشویند<sup>۲</sup> و توضیح داده نشده که هلال ماه، کی طلوع می‌کند و باید چه شرایط طبیعی داشته باشد؛ زیرا این مسئله، امری طبیعی و تابع قوانین نجومی است. در این مسئله، روزه روز اول ماه شوال، موضوع و حکم آن، حرمت است و چون ماه شوال و روزه‌های آن، موضوع عینی خارجی است، در اثبات شروع شوال، تشخیص مردم ملاک است. بنابراین، اگر کسی هلال شوال را ببیند، باید روزه بعد از افطار کند؛ حتی اگر مراجع تقلید و یا رهبری، آن روز را عید اعلام نکنند. کسی که به حلول شوال یقین کند، ولی روز بعد از روزه بگیرد، عمل حرامی مرتکب شده است.<sup>۳</sup>

نکته: راه‌های ثابت شدن اول ماه، همان راه‌های عقلایی و عرفی است که برای اثبات یا نفی موضوعات عرفی به کار می‌گیرند. مثلاً اینکه کسی خودش هلال را ببیند یا از گفته جمعی که ادعای دیدن هلال را دارند، به حلول ماه، یقین کند و...

با این توضیحات، مشخص می‌شود که اختلاف مراجع تقلید، در حکم مسئله نیست؛ بلکه در اثبات تحقق موضوع حکم است. به عبارت دیگر، اختلاف در این است که آیا ماه، دیده شده یا نه. بر این اساس، مراجعی که روزی را عید اعلام می‌کنند، با تکیه بر گزارش اطرافیان عادل خود، مطمئن شده‌اند که ماه رؤیت شده است؛ ولی مراجعی که حلول ماه برایشان اثبات نشده، در واقع، خود، اطرافیان و افراد مورد اطمینانشان، ماه را ندیده‌اند. بنابراین، در اصل دیده شدن یا دیده نشدن ماه، نظر فقیه به عنوان فقیه، برای مکلفان، حجت نیست و فقیه نیز مانند دیگر مردم، باید یا خود ماه را ببیند یا از شهادت جمعی که ادعای دیدن ماه را دارند، به حلول ماه، یقین کند. آری! اگر مکلف از اعلام مرجع تقلید، به حلول رمضان

یا شوال اطمینان حاصل کند که ماه دیده شده است، باید روزه گرفته یا روزه خود را افطار کند؛ اما اگر چنین اطمینانی برای مکلف حاصل نشد، عمل به نظر مرجع تقلید، جائز نیست. بنابراین، اثبات خارجی رؤیت هلال رمضان و شوال، امری تقلیدی نیست و در این باره، نظر مراجع تقلید، به خودی خود، حجت ندارد.

گاهی نیز اختلاف مراجع تقلید در اثبات حلول ماه، به مبنای فقهی آنان درباره چگونگی رؤیت هلال مربوط است. در چنین مواردی، مکلف باید اثبات تحقق حلول ماه را بر مبنای مرجع تقلید خود انجام دهد. یکی از مسائلی که فقها در آن به صورت مبنایی، اختلاف دارند، این است که آیا رؤیتی که در روایات، به عنوان ملاک وجوب یا حرمت روزه بیان شده، رؤیت با چشم غیرمسلح است یا شامل رؤیت با چشم مسلح (دوربین، تلسکوپ و...) نیز می‌شود؟ با توجه به این اختلاف مبنایی، چه بسا در یک سال، ماه با چشم مسلح دیده شود؛ اما با چشم عادی، دیده نشود. از این رو، برای کسانی که دیدن با چشم مسلح را حجت می‌دانند، عید فطر ثابت می‌شود؛ ولی برای کسانی که دیدن با چشم مسلح را حجت نمی‌دانند، اول ماه، ثابت نمی‌شود.

سخن پایانی اینکه این اختلاف در عمل بین مقلدان مراجع مختلف، در خیلی از موارد، مانند نماز مسافر و شخص کثیرالسفر، مصداق آلات قمار و محدوده طواف نیز وجود دارد و هیچ تعجب و اشکالی ندارد.

## پی‌نوشت:

۱. ر.ک: عیسی ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ج ۲، ص ۷۶، ۷۹ و ص ۱۹۹ و ۲۰۱.
۲. ر.ک: شیخ مرتضی انصاری، المکاسب، ج ۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.
۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۶، ۲۵۷ و ۲۹۱.
۴. ر.ک: رساله‌های توضیح المسائل مراجع عظام تقلید، احکام روزه، راه ثابت شدن اول ماه.



## گل به خودی

قرار می‌گیرد و در جنگ اقتصادی، معیشت مردم، مورد تهاجم دشمن است. در جنگ ترکیبی موجود، دشمنان، امنیت را هدف قرار داده‌اند. با بررسی لایه‌های این جنگ، مشخص می‌شود که هدف از این جنگ، مخدوش کردن امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از امنیت اقتصادی، تهدید مال و اموال مردم است که موجب می‌گردد سرمایه‌گذاری، اتفاق نیفتد. وقتی امنیت اجتماعی از بین رفت، همه افراد جامعه، احساس ناامنی می‌کنند. در جنگ ترکیبی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم، دشمن هوشمندانه عمل می‌کند و به طور مداوم، تغییر موضع می‌دهد و این تغییر موضع سریع، مواجهه و مقابله با او را دشوار می‌سازد.

تمرکززدایی، استراتژی جنگ‌های ترکیبی است. حضور تماشاگران در مسابقات، برای آن است که تمرکز حریف را بر هم بزنند؛ اما عجیب این است که گاهی اوقات تماشاگر، حریف را تشویق کند و برای گل به خودی، کف و هورا بکشد.

جنگ اقتصادی، سه لایه دارد؛ جنگ شناختی، جنگ هیجانی یا عاطفی و جنگ تجویزی. عمده تلاش دشمن، بر روی بُعد شناختی است و تلاش می‌کند آنچه را که مربوط به باورها، افکار و تمایلات ماست، عوض کند. در جنگ شناختی، جای دوست و دشمن، تغییر می‌کند؛ به طوری که گویا دولت، دشمن ملت است و بیگانگان، دوست آن

هستند. یعنی مثلاً چون FATF و برجام را امضا نکردید، چون با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، قرارداد نسیتید، پس شما ناکارآمد هستید و با این نگاه، دولت، شرّ مطلق می‌شود.

پس از جنگ سرد، جنگ میان قدرت‌ها در سطح بین‌الملل، از حالت جنگ صرفاً نظامی، خارج شده، بُعد نرم هم پیدا کرد و ترکیبی از جنگ نظامی و غیرنظامی شد که به آن، جنگ ترکیبی می‌گوییم و این رویکرد جدیدی است که در عرصه اقتصاد سیاسی مطرح شده است.

کسانی که درگیر جنگ ترکیبی می‌شوند، سعی می‌کنند ترکیبی از جنگ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را برای صدمه زدن به جامعه هدف، انتخاب کنند. در حال حاضر، اگر این تقابل را در باره ایران بررسی کنیم، بیشتر در جنگ اقتصادی نمود خواهد یافت. آنها برای مقابله با ایران، ابتدا جنگ نظامی را انتخاب کردند و سپس در لاک جنگ سیاسی رفتند و

بعد هم به یک جنگ نرم اجتماعی و فرهنگی تبدیل شد. در واقع، می‌توان گفت که در دهه اخیر، جنگ اقتصادی، بسیار برجسته‌تر شده است.

هرچند جبهه مقابل، از جنبه‌های دیگر نیز غفلت نکرده و بستر زیرین اقدامات آنها، جنگ فرهنگی اجتماعی است؛ ولی به این دلیل که بازدهی جنگ فرهنگی در درازمدت است، جنگ اقتصادی را آغاز کرده‌اند و هدف اصلی آنها هم ایجاد نارضایتی میان مردم است تا از این راه، ناامنی را در کشور ایجاد کرده، از آن در اجرای نقشه خود استفاده کنند.

امنیت اقتصادی، به عنوان مهم‌ترین اصل در این برهه، بر عدالت تقدم دارد؛ زیرا اگر امنیت اقتصادی حاکم نباشد، عدالت هم حکم فرمان نمی‌شود.

بُعد ترکیبی این نوع جنگ‌ها، خیلی مهم است؛ چون در هر یک از این جنگ‌ها، اصلی را هدف قرار می‌دهند. در جنگ فرهنگی، باورها و اعتقادات دینی هدف قرار می‌گیرند؛ در جنگ اجتماعی، به سراغ خانواده می‌روند تا خانواده را متزلزل کنند؛ در جنگ سیاسی، حکومت دینی هدف

**با بررسی لایه‌های جنگ ترکیبی موجود، مشخص می‌شود که هدف از این جنگ، مخدوش کردن امنیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از امنیت اقتصادی، تهدید مال و اموال مردم است که موجب می‌گردد سرمایه‌گذاری، اتفاق نیفتد. وقتی امنیت اجتماعی از بین رفت، همه افراد جامعه، احساس ناامنی می‌کنند**



# تادم مرگ

کتاب «تادم مرگ»، بررسی تجربه‌های نزدیک به مرگ، حاصل یکی از مدارس شبهه‌پژوهی در این موضوع است که در ۱۲۸ صفحه و پنج بخش، توسط مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه، اجرا و به کوشش قاسم بابایی، تهیه و تنظیم شده است. بخش‌های این کتاب، عبارتند از:

■ **بخش اول: بررسی تفاوت‌ها و اشتراکات تجربه‌های نزدیک به مرگ با پدیده مرگ، از استاد محمد جواد رودگر.**

■ **بخش دوم: حقیقت و پیوستگی تجربه نزدیک به مرگ، از استاد علی امینی نژاد.**

■ **بخش سوم: تجربه نزدیک به مرگ، روزنه‌ای به سمت معنویت، از استاد عبدالحسین خسروپناه.**

■ **بخش چهارم: ارزش معرفت‌شناختی تجربه‌های نزدیک به مرگ، از استاد عبدالله محمدی.**

■ **بخش پنجم: بررسی و تحلیل معانی و صورت‌ها در تجربه نزدیک به مرگ، از استاد علی امینی نژاد. در ادامه، بخشی از کتاب را با هم می‌خوانیم.**

به گفته کارول زالسکی در کتاب «other worlds journeys»، تقریباً در همه فرهنگ‌ها، مردم داستان‌هایی از سفر به عالمی دیگر تعریف کرده‌اند که در آنها، یک قهرمان، جادوگر، حکیم پیامبر یا پادشاه، از دروازه‌های مرگ عبور می‌کند و با بازگشت، پیامی برای زندگان می‌آورد.

در تراث شیعه، تجربه‌های نزدیک به مرگ و مفاهیم همگون با آن، کمتر مورد بحث قرار گرفته‌اند؛ اما مفاهیم همگون و گزارش‌های علمی با محتوای تجربه نزدیک به مرگ، فراوان گزارش شده‌اند و ناسپاسی است که این تراث به این عظمت رانادیده گرفت. نمونه آن، کتاب «سیاحت غرب» آیت‌الله نجفی قوچانی، کتاب «داستان‌های شگفت»، اثر شهید آیت‌الله دستغیب و «معادشناسی»، اثر علامه تهرانی است. گزارش‌های دیگری نیز از بزرگان معرفت نقل شده که گویای پیشینه این موضوع در میان تراث شیعه است. نمونه آن هم تجربه نزدیک به مرگ آیت‌الله حائری است. مرحوم آیت‌الله حائری، بنیان‌گذار حوزه علمیه قم چنین تعریف می‌کند:

هنگامی که در کربلا بودم، شبی در خواب دیدم که فردی به من گفت: شیخ عبدالکریم! کارهایت را ردیف کن که تا سه روز دیگر از دنیا خواهی رفت. از خواب بیدار شدم و غرق در حیرت گشتم؛ اما بدان توجه زیادی نکردم. شب سه‌شنبه بود که این خواب را دیدم و روز پنج‌شنبه، با برخی از دوستان، به باغی رفتیم و پس از گردش و بحث علمی، ناهار خوردیم و به استراحت پرداختیم.

هنوز خوابم نبرده بود که به تدریج، تب و لرز شدیدی به من دست داد و به سرعت شدت یافت و کار به جایی رسید که دوستان، هر چه عبا و روانداز بود، همه را روی من انداختند؛ اما باز هم می‌لرزیدم و آن گاه پس از ساعتی، تب سوزانی، همه وجودم را فراگرفت و احساس کردم که حالم بسیار وخیم است و با مرگ فاصله‌ای ندارم. از

دوستان خواستم که مرا هر چه زودتر به منزل برسانند؛ آنان نیز وسیله‌ای یافتند و مرا به خانه انتقال دادند و در منزل به حالت احتضار افتادم.

کم‌کم علائم و نشانه‌های مرگ، از راه رسید و حواس ظاهری، رو به خاموشی نهاد و تازه به یاد خواب سه‌شنبه افتادم. در آن حالت بحرانی بودم که دیدم دو نفر وارد اتاق شدند و در دو طرف من قرار

گرفتند و ضمن نگاه به یکدیگر گفتند: «پایان زندگی اوست و باید او را قبض روح کرد». من که مرگ را در برابر دیدگانم می‌دیدم، با قلبی سوخته و پراخلص، به سالار شهیدان توسل جسته و گفتم: سرورم! من از مرگ نمی‌هراسم؛ اما از دست خالی و فراهم نکردن زاد و توشه آخرت، بسیار نگرانم. شما را به حرمت مادرت فاطمه، مرا شفاعت کن تا خدا مرا گم‌راهه تأخیر اندازد



و من کار آخرت را بسازم و آن گاه بروم. شگفتا که پس از این توجه قلبی، دیدم فردی وارد شد و به آن دو فرشته گفت: سیدالشهدا علیه السلام می‌فرماید: «شیخ به ما توسل جسته و ما او را نزد خدا شفاعت و تقاضا کرده‌ایم که خداوند، عمر او را طولانی کند و خدا نیز از سر مهر، به ما اجابت فرموده است. او را رها کنید» و آن دو به نشانه اطاعت، خضوع کرده، آن گاه هر سه با هم صعود کردند. درست در

آن لحظات، احساس کردم که بهبود یافته‌ام. صدای گریه خاندانم را شنیدم و توجه یافتم که به سر و صورت می‌زنند. به طور آهسته، خود را حرکت دادم و دیده‌ام گشودم... و به تدریج بهبود کامل خویش را یافتم و این به خاطر برکت و عنایت مولایم حسین علیه السلام بود.

پدیده «تجربه نزدیک به مرگ»، به سبب فراوانی تجربه‌ها، موضوعی شناخته شده است و نمی‌توان آن را صرفاً فرضیه یا امری غیرواقعی تصور کرد. تجارب بسیار شفاف و منسجمی که فراوان گزارش شده و جزئیاتی که بعداً توسط شاهدان دیگر نیز تأیید شده‌اند، گویای علمی بودن تجربه‌هاست و نمی‌توان گزارش‌ها را صرفاً نتیجه مغزهای آسیب‌دیده تلقی

کرد؛ زیرا در این صورت، گزارش یک اتفاق به صورت مشترک، امکان‌پذیر نبود؛ اما فراوانی تجربه‌ها در مقایسه با دوران قبل، به این علت است که تکنیک‌های احیا، بسیار بهبود یافته‌اند. به دلیل پیشرفت در تجهیزات پزشکی و آموزش بهتر کارکنان اورژانس، به بروز بیشتر NDE (تجربه‌های نزدیک به مرگ) نسبت به قبل، منجر شده است.

**پدیده «تجربه نزدیک به مرگ»، به سبب فراوانی تجربه‌ها، موضوعی شناخته شده است و نمی‌توان آن را صرفاً فرضیه یا امری غیرواقعی تصور کرد. تجارب بسیار شفاف و منسجمی که فراوان گزارش شده و جزئیاتی که بعداً توسط شاهدان دیگر نیز تأیید شده‌اند، گویای علمی بودن تجربه‌هاست و نمی‌توان گزارش‌ها را صرفاً نتیجه مغزهای آسیب‌دیده تلقی کرد**



# به به رفران

# انه دوم



کشور ما تنها کشور در دنیاست که هم اصل نظام سیاسی و هم قانون اساسی خود را (در سال ۱۳۵۸ و بازنگری آن در سال ۱۳۶۸) به رفراندوم گذاشته است. با این وجود، شاهد هستیم که هر از گاهی، دشمنان خارجی و برخی جریان‌های سیاسی در داخل، به بهانه‌های مختلفی همچون طرح مسئله شکاف نسلی، توهم فراوان‌انگاری مخالفان نظام و کاهش مشارکت در برخی انتخابات و... موضوع رفراندوم را پیش می‌کشند.

تکلیف دشمنان خارجی که روشن است. این کشورها - که ادعای آزادی و دموکراسی آنان، گوش فلک را پر کرده - بهتر است به جای خرده گرفتن به نظام مردمی ما، نگاهی به کشورهای خود کنند که با وجود گذشت چندین قرن از انقلاب‌های خود و انتخاب نوع نظام سیاسی توسط نسل‌های دور و مخالفت‌ها و اعتراض‌های جدی، آیا حاضرند رفراندوم را برای خود تجویز کنند یا اینکه این تنها نسخه‌ای است که برای کشور ما تجویز می‌شود؟ این کشورها در زمینه آزادی، حقوق بشر و دموکراسی، متهمند و دستانشان به خون میلیون‌ها انسان بی‌گناه، آغشته است؛ اما با پرمویی تمام، ژست طلب‌کار به خود می‌گیرند.

از دشمنان خارجی که بگذریم، روی سخن، با جریان‌های سیاسی داخلی است که به بهانه‌های مختلف، موضوع رفراندوم را مطرح می‌کنند:

۱. با وجود در نظر گرفتن ساز و کار قانونی برگزاری همه‌پرسی در قانون اساسی، دلیلی برای جنجال و هیاهو، وجود ندارد. جالب آنکه این جریان‌های سیاسی - که رقبای سیاسی خود را متهم به برخورد پوپولیستی می‌کنند - خود با استفاده از همین روش و طرح این مطالب در سطح عمومی، بدون توجه به راهکار قانونی، بیشترین تقاضای برگزاری رفراندوم را در برهه‌های مختلف، داشته‌اند. زمانی لوابیح دوگانه افزایش اختیارات دولت، بهانه برای طرح موضوع رفراندوم بود؛ در مقطعی، مسئله هسته‌ای و مذاکره با آمریکا و اخیراً هم مسائل اقتصادی و سیاست

مقایسه با جمعیت گسترده مردمی که در محکومیت آن به صحنه آمدند، قابل مقایسه نبود و با وجود فراخوان‌های متعدد رسانه‌های معاند، شاهد بی-اعتنایی مردم به آنها بودیم.

چگونه است که تمامی مخالفان و اپوزیسیون، با کمک و حمایت گسترده لشکر رسانه‌ای ارباب‌هایشان، نمی‌توانند توده مردم را با خود همراه کنند و بعد، دم از رفراندوم می‌زنند؟ در همه اغتشاشات گذشته، حضور مردم در محکومیت آن، پایان آن را رقم زده و پشتوانه مردمی نظام را به رخ دشمنان و بدخواهان آن کشیده است.

۳. برخی افراد نیز کاهش میزان مشارکت در انتخابات اخیر را نشانه نارضایتی اکثریت دانسته، باز پای رفراندوم را به میان می‌کشند. اگر از اینکه این جریان‌ها به دلیل عملکرد بد اقتصادی و شرایط نابسامان معیشتی، خود مقصر دلسرد کردن درصدی از مردم نسبت به شرکت در انتخابات هستند بگذریم، با توجه به اینکه عوامل مختلفی که در شرکت نکردن افراد در انتخابات، تأثیرگذار است، از مشکلات اقتصادی و معیشتی،

بیکاری و مشکلات مسکن و... گرفته تا تأثیر جنگ رسانه‌ای و شناختی دشمن

علیه انتخابات و متأسفانه همراهی برخی جریان‌های سیاسی داخلی با آن و وجود درصدی از افراد مردود و افرادی که تمایلی به کنش سیاسی اجتماعی ندارند، نمی‌توان همه افرادی که در انتخابات شرکت نکرده‌اند را مخالف نظام دانست. از این جهت، مقام معظم رهبری، حضور مردم در انتخابات را با وجود هجمه سنگین و جنگ رسانه‌ای دشمنان و مشکلات

اقتصادی، انجام وظیفه اجتماعی و تمدنی و یک جهاد دانست!

## پی نوشت:

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب در روز درختکاری، ۱۵ اسفند ۱۴۰۲.

داخلی و خارجی و با این طرز تفکر، این رویه، ادامه خواهد داشت. واقعیت آن است که این جریان‌ها،

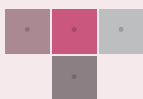
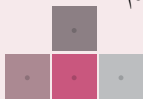
بیش از آنکه برای مردم و نظر آنها اهمیت قائل شوند، به دنبال استفاده ابزاری از مردم برای پیشبرد اهداف خود و مصادره نظام به نفع خود هستند.

۲. گاهی اعتراض‌ها و اغتشاشات، بهانه‌ای برای تشکیک در پایگاه مردمی نظام و طرح رفراندوم می‌شود. اگر وجود برخی مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها را دلیلی برای برگزاری رفراندوم بدانیم، با توجه به اینکه هیچ

نظام سیاسی در هیچ زمانی، از وجود مخالف و نارضایتی مردمی خالی نیست، باید در هر برهه زمانی و بنا به خواست افراد، اقدام به برگزاری رفراندوم شود که عملاً امکان‌پذیر نیست.

علاوه بر اینکه این ادعا، در حالی مطرح می‌شود که افراد همراهی‌کننده با اغتشاشات، تعداد بسیار کمی را شامل شده، با روشن شدن ماهیت اغتشاش‌گران، از همین

تعداد هم کاسته شده، مردم صف خود را از آنها جدا می‌کنند. به طور خاص، در اغتشاشات سال گذشته - که شاهد جنگ ترکیبی تمام‌عیار دشمنان بودیم - افراد شرکت‌کننده در تجمعات و اغتشاشات، در



# چالش ورزشگاه



ورزشگاه، به تنها چیزی که توجه نمی‌شود یا کمتر بها داده می‌شود، حکم الهی و دینی است. هر مرد و زن مسلمان و مؤمنی که کمترین آشنایی با دستورات الهی داشته باشد، می‌داند که نگاه مرد به بدن زن و نگاه زن به بدن مرد، حرام و ممنوع است و حکومت دینی، حتی اجازه و ترویج این کار را ندارد. حضور زن در ورزشگاه مخصوص بازی مردان، برای تماشای فوتبال یا والیبال و... همراه با نگاه به اعضای عریان بدن

است و صحیح نیست؛ همچنان که همه مردم فهم و مسلمان، با حضور مردان در ورزشگاه خاص زنان و دیدن آنها، موافق نیستند. حتی از نظر عقلا، اگر انجام کاری، به خودی خود و در نگاه اول، ممنوعیتی نداشته باشد، اگر به خاطر تبعات و پیامدها، ناهنجاری‌هایی را به همراه داشته باشد، باید انجام آن، ممنوع و متوقف شود مثلاً تنفس فوتبال یا

دوچرخه سواری یا موتورسواری زنان، اشکال شرعی ندارد؛ اما انجام این اعمال در کوچه و خیابان و با وجود مردان، نوعاً موجب مفاسد مختلف می‌شود که برای دوری از آنها، نباید این امور را تجویز و ترویج کرد.

□ حمید کریمی

و عاطفی نیز بین آنها وجود دارد که همین تفاوت‌ها، کارکردها و انتظارات مختلفی را ایجاد می‌کند و دقیقاً به همین دلیل است که حضور زن با جسم و روح لطیف، در جمع مردان و دیدن فوتبال آنها، امری خلاف انتظار است.

برخی دیگر می‌گویند: «حضور زنان در ورزشگاه‌ها، موجب می‌شود که جوانان، به ناموس دیگران احترام بگذارند و بسیاری از ناهنجاری‌هایی که در ورزشگاه‌ها رخ می‌دهد، کاسته خواهد شد».

در پاسخ این افراد باید گفت: اولاً اگر حضور زنان در خیابان و کوچه، مانع کار خلاف و ناهنجاری می‌شود - که نمی‌شود - حضور زنان در ورزشگاه هم مانع بروز ناهنجاری و هتک حرمت خواهد شد.

ثانیاً حتی مدافعان حضور زنان در ورزشگاه‌ها نیز شرایط فعلی را برای این امر، مناسب نمی‌دانند. وقتی برگزاری مسابقات، به ویژه دیدارهای

حساس، معمولاً با دعوا، شیشه شکستن، ناسزاگویی، فشار جمعیت و حرکات ناشایست، پرتاب نارنجک و امثال این ناهنجاری‌ها، همراه است. آیا هیچ ضمانت عقلی و منطقی وجود دارد که کسی با همسر یا خواهر یا دختر خود پا به این معرکه بگذارد؟ متأسفانه در اظهارنظرها درباره ورود زنان به

**پرسش:** وقتی دختران و زنان زیادی، مایل به ورود به ورزشگاه‌ها و دیدن فوتبال مردان هستند، چرا نباید اجازه دهیم که به ورزشگاه بیایند؟

اینکه بخشی از دختران و زنان، مایل به ورود به ورزشگاه هستند، واقعیت دارد؛ اما صرف علاقه گروه و جمعی به یک عمل، دلیل صحت و خوبی آن کار نیست. با وجود اینکه افراد بسیاری، علاقه به مواد مخدر، قمار، هم جنس بازی، مشروبات الکلی و... دارند، اما هیچ نظام فرهنگی و حاکمیتی، با استناد به تمایل برخی افراد، اجازه انجام آن کار را نمی‌دهد.

بحث بر سر این نیست که در بین زنان و دختران، علاقه برای ورود به ورزشگاه وجود دارد یا نه؛ بلکه بحث سر این است که اقدام به این کار، موانع و مشکلاتی، هم برای بانوان و هم برای مردان، به دنبال دارد. حتی استناد به حضور زنان در ورزشگاه‌های مختلف در سراسر دنیا با شرایط مختلف، نباید الگوی عملی ما قرار گیرد. در دنیا، کارهای بسیاری صورت می‌گیرد که با ارزش‌ها، عقاید و فرهنگ جامعه دینی و ایرانی ما سازگار نیست؛ بنابراین وجود این اختلاط در سرتاسر دنیا، دلیلی برای پذیرش و امضای مانمی‌شود.

برخی می‌گویند: «دختر و پسر، هر دو انسانند و فرق آنها، فقط فیزیکی است، نه انسانی؛ پس باید بتوانند در ورزشگاه با هم باشند». درست است که زن و مرد، هر دو انسانند؛ اما علاوه بر تفاوت‌های جسمی که بین آنها وجود دارد، اختلافات روحی





## در شب قدر چه خواهیم؟

ما چون مخلوقیم، تنگ نظریم؛ یعنی چون محدودیم، خدا را هم مثل خودمان فرض می‌کنیم؛ اما این تصور اشتباه است. در معارف ما آمده که آن چه را که به ذهنت می‌آید، از خدا بخواه؛ اما به این بسنده نکن و بگو: خدایا! اینهایی که به ذهن من می‌رسد، همین است؛ اما سال آینده ما نمی‌دانیم چه گرفتاری‌هایی ممکن است برای ما پیش بیاید و یک چیزهایی هست که ما به آنها محتاج می‌شویم و الآن به فکرمان هم نمی‌آید؛ پس اکتفا کردن به این گرفتاری‌هایی که در ذهنمان هست، اشتباه است. لذا پایدی کلان و کلی، باید تمام خواسته‌هایمان را در شب قدر، در دو خواسته اصلی «ترسیم گذشته» و «ترسیم آینده»، خلاصه کنیم.

### ترسیم گذشته

همه ما در گذشته، گناه‌ها و خطاهایی مرتکب شده‌ایم و حالا اگر بخواهیم بهترین ترسیم، شامل حالش شود، تنها راهش، استغفار و پناه بردن به غفاریت خداوند است. از طرف دیگر، مقام غفاریت خداوند، موجب پدید آمدن سه گونه ستاریت خاص خداوند می‌شود که عبارتند از:

۱. برطرف کردن تبعات گناه؛ وقتی خداوند ما را می‌آمزد، نمی‌گذارد تبعات گناه - همان جهنم و عقوبت الهی - دامن‌گیر ما شود.
۲. پوشیدن معصیت از شاهدان؛ خداوند به موجوداتی که از معصیت ما آگاه هستند، می‌فرماید دیگر برضد او گواهی ندهید.

۳. محو گناهان؛ در شب قدر، ما از خدای خواهیم نه تنها گناهان به ما زیان نرسانند و شاهدان برضد ما شهادت ندهند، بلکه از خدای خواهیم که این معصیت‌ها را محو کند. سخن ما با خدا این است: خدایا! امشب مرا پاک کن و این پلیدی‌ها را از وجود من دور ساز و مرا تطهیر کن! این، نوع سوم از ستاریت ناشی از غفاریت است که نوع کامل و تمام آن است.

### ترسیم آینده

در باب آداب ضیافت و مهمانی، روایات بسیاری داریم. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که ایمان به مبداء و معاد دارد، باید خوب مهمان‌نوازی و اکرام کند». در وصیت‌هایی که علی علیه السلام به فرزندش کرد، اموری را فرمود

که یکی از آنها این بود: «مهمان‌نواز باش». امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید: «مبادا به مهمانی که در خانه تو وارد شده، بگویی آیا امروز چیزی خورده‌ای یا خیر؛ بلکه هر چیزی داری، پیش او بگذار و از او پذیرایی کن! حد اعلای جود و سخاوت این است که میزبان، آن چه را دارد، در کاسه اخلاص گذاشته، نزد مهمان بگذارد».

اینها نمونه‌ای از آداب ضیافت بود که ما داریم؛

اما یک مرتبه به ذهن من یک جمله‌ای از فرمایش پیغمبر اکرم آمد که فرمود: «شَهْرٌ دُعَيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ»؛ یعنی ماه رمضان، ماهی است که شما دعوت شده‌اید به مهمانی خدا و سفره خدا در آن، پهن است؛ اما آیا می‌شود خدا آداب مهمان‌داری را به ما بیاموزد، بعد خودش عمل نکند و خوب از ما پذیرایی نکند؟ مسلماً این‌طور نیست؛ خداوند از همه مهمان‌دارها، بهتر مهمان‌داری می‌کند.

آداب مهمان‌داری این نیست که میزبان از ما بپرسد چیزی خورده‌ای یا نه؛ تو قبلاً عمل صالح داشته‌ای یا نه؛ بلکه خدا آنچه دارد، باید امشب در سفره ما بگذارد.

باید اصرار کند که این غذاها را بخورید. خداوند، میزبانی است که مهمانش هر چه بخواهد مصرف کند، در اختیار او می‌گذارد و هر چه او بیشتر بخواهد، او خوشحال‌تر می‌شود.

این، یعنی ترسیم آینده؛ یعنی همه ما دست خالی آمده‌ایم و می‌خواهیم دست پر برویم.

□ مرحوم آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی



# دلیل تخریب بقیع



**پرسش:** تخریب بارگاه ائمه بقیع، چرا و توسط چه کسانی انجام شد و هدف از آن چه بود؟

یکی از پرخاطره‌ترین مکان‌های مدینه، قبرستان بقیع است. بقیع، از پیش از اسلام، گورستان مردم این شهر بوده و پس از اسلام نیز به عنوان مهم‌ترین گورستان مدینه، شناخته شده و در طول قرون مختلف اسلامی، مدفن صحابه، تابعین، همسران و فرزندان پیامبر و مهم‌تر از همه، چهار تن از امامان شیعه بوده و از این رو، محل زیارت تمامی زائران مدینه منوره است.

از منابع و متون اسلامی و تاریخی، چنین برمی آید که در طول چهارده قرن گذشته و از زمان پیامبر، بقیع مورد توجه مسلمانان و به ویژه شیعیان بوده و همواره سعی می‌کردند آن را آباد نگه دارند و در تکریم آن می‌کوشیدند. همچنین

بر قبور ائمه اطهار علیهم‌السلام و دیگر مدفونان در آن، قبه و بنا می‌ساختند که تا حدود یک قرن پیش هم این بناها وجود داشته است؛ اما وقتی وهابیان و آل سعود بر حجاز و شهرهای مکه و مدینه و اطراف آن تسلط یافتند، در ۸ شوال ۱۳۴۴ ق. به خاطر اعتقادات انحرافی و مخالف با اسلام اصیل، این بناها را تخریب کردند.

اینکه چرا وهابیان این عمل زشت را انجام دادند و هدفشان از این کار چه بود، بایستی دید که این فرقه منحرف، چه عقایدی داشته، تحت تأثیر چه افکاری بود که این ننگ را بر پیشانی خود زد و در همیشه تاریخ، با این عمل زشت همراه خواهد بود.

## عقاید وهابیان

وهابیان، پیروان محمد بن عبدالوهاب و متأثر از عقاید و نظرات ابن تیمیه هستند. از نظر وهابیان، نباید بر روی قبور، قبه و بارگاه ساخت و همچنین توسل به انبیا و اولیا و صالحان را جایز نمی‌دانند. آنها همچنین سفر به قصد زیارت قبر پیامبر یا طلب

شفاعت از پیامبران و ائمه و استغاثه و استعانت از ارواح مقدس و زیارت قبور را خلاف اسلام و توحید می‌دانند و معتقدند هر کس این اعمال را انجام دهد، به خدا شرک ورزیده است. در حدود ۲۸۰ سال پیش، وهابیان با آل سعود متحد شدند و در نتیجه، وقتی آل سعود قدرت یافت، تحت تأثیر افکار وهابیان و با وحشی‌گری و نیز کینه‌ای که از اهل بیت داشتند، این اقدام را انجام دادند. حتی ویران کردن حرم مطهر رسول اکرم نیز در حیطه اعتقادات منحرف این فرقه است؛ اما تاکنون جرات به چنین اقدامی نیافته‌اند.

## نقد عقاید وهابیان

دست مایه و مستمسک وهابیان بر این کار، حدیثی است که به اعتقاد دانشمندان، نه اعتبار سندی دارد و نه اینکه از متن آن، چنین نتیجه‌ای می‌توان گرفت. در رد عقاید وهابیت درباره مسائل مطرح شده، باید گفت:

۱. سیره عموم مسلمانان جهان، از همان زمان رحلت پیامبر تا به امروز، بر این بوده که پیوسته در مراسم حج و در ایام دیگر، به زیارت قبر آن حضرت می‌روند و هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این سیره شود. حتی اهل سنت، برای قبر ائمه چهارگانه خود هم قبه بنا کرده‌اند که هنوز هم یکی از آنها در

**دلیل عمل زشت و ننگین تخریب قبور ائمه در بقیع، چیزی جز کینه با اهل بیت و ایجاد اختلاف میان مسلمانان نبوده است. از اینکه وهابیان، چندین سال پیش از تخریب بقیع، به کربلا و نجف نیز حمله برده، این دو شهر مذهبی شیعی را غارت و قتل عام کرده بودند، می‌توان به شدت کینه آنها پی برد.**

بغداد موجود است.

۲. درباره بنای قبه روی قبور، در قرآن آمده است که در زمان اصحاب کهف، وقتی مردم از محل خواب آنها یا خبر شدند، بر روی آن، مسجدی بنا کردند تا یاد آنها همیشه زنده بماند. اگر این عمل، خلاف بود، قرآن آن را ذکر نمی‌کرد.

۳. در باب شفاعت خواستن از پیامبر و شفیع قرار دادن آن حضرت، باید گفت که حتی در زمان خود حضرت، صحابه شخصاً از آن حضرت شفاعت می‌خواستند. انس بن مالک می‌گوید: از پیامبر درخواست کردم که در روز قیامت، در حق من شفاعت کند و وی درخواست مرا پذیرفت.

۴. در مورد زیارت قبور، در منابع اسلامی - اعم از شیعه و سنی - آمده است که پیامبر، شخصاً به زیارت مدفونین در بقیع می‌رفت، به آنها سلام می‌کرد و به مردم سفارش می‌کرد به زیارت آنها بروند؛ همچنین از آن حضرت نقل است که فرمود: هر کس قبر مرا زیارت کند، شفاعتم بر او واجب است.

۵. علاوه بر شیعه، اهل سنت نیز ساختن بنا و قبه بر روی قبور ائمه، انبیا، شهدا و صالحین را جایز می‌دانند تا دیگران، به زیارت آن پرداخته، به آن تبرک جویند.

بنابراین، می‌توان گفت که دلیل این عمل زشت و ننگین، چیزی جز کینه با اهل بیت و ایجاد اختلاف میان مسلمانان نبوده است. از اینکه وهابیان، چندین سال پیش از تخریب بقیع، به کربلا و نجف نیز حمله برده، این دو شهر مذهبی شیعی را غارت و قتل عام کرده بودند، می‌توان به شدت کینه آنها پی برد.

شبهه

ماهنامه و ویژه پویش مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸  
www.Shobhe.pasokh.org

pasokh.org | spasokh.com  
wikipasokh.com  
pasokh.tv | shobhepajouhi.ir



شبهه

ماهنامه و ویژه پویش مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان شماره بیست و دو / فروردین ۱۴۰۲